

گفت‌وگوی «وطن امروز» با جلیل بشارتی رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری در دولت‌های پنجم تا دهم و معروف به پدر مناطق محروم ایران درباره روزهای نخست سازندگی پس از انقلاب

ماجرای پلنگ خمینی

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

جلیل بشارتی، رئیس مرکز توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری

■ **مناطق محروم یا کمتر برخوردار در سال‌های منتهی به انقلاب چه وضعیتی داشتند؟**

قبل از انقلاب من در تهران دانشجو بودم، شرایط پیش از انقلاب را دیدم. در آن زمان در تهران تنها اتوبان همین اتوبان چمران فعلی بود که برای دسترسی میهمان‌های شاه از فرودگاه مهرآباد تا کاخ‌های شاه کشیده شده بود. بقیه تهران اتوبان نداشت. در بعضی مراکز استان‌ها که استانداران آنها نورچشمی بودند (مثل شیراز، اصفهان، تبریز و مشهد) بعضاً یک فرودگاه داشتند و چند کیلومتر راه از تباطلی. بقیه کشور اگر در حوالی این شهرها یا در مسیر این راه‌ها بودند استفاده می‌کردند اگر نه به هیچ‌وجه امکانات زیربنایی اساسی نداشتند. ای کاش یک اطلس یا تصویری از جغرافیا و توسعه مناطق مختلف ایران در آن دوران وجود داشت تا میزان این پیشرفت‌ها برای همه ملموس می‌شد. آن زمان مثل الان ماهواره نبود تا بتوان این اطلس‌ها را تهیه کرد. الان ما تنها ماهواره داریم، بلکه ماهواره هم اجاره می‌کنیم تا تغییرات مختلف جغرافیایی را بررسی کنیم. اگر از این دیدگاه کل ایران که تقریباً ۱۶۵ میلیون هکتار است را مشاهده کنیم تصویر قبل از انقلاب با بعد از آن قابل مقایسه نیست. حالا این داخل سرزمین ما است، آنچه خارج این مرزها اتفاق افتاده، چه به لحاظ عقیدتی، چه در قالب تاثیرات فرهنگی، اجتماعی و از همه بالاتر سیاسی بخواهیم بررسی کنیم مباحث بسیار متنوعی است.

■ **روند توجه به مستضعفان و محرومان دقیقاً چه مسیری را پس از انقلاب طی کرد؟**

ببینید! انقلاب اسلامی ایران بیش از هر حرکت دیگری یک انقلاب فرهنگی بود و در این میان مردم اهمیت بالایی داشتند. از سوی دیگر جنبه‌های مذهبی و دینی این انقلاب به نسبت سایر انقلاب‌های مشابه در جهان بسیار پررنگ‌تر بود و مردم با شعارهای مذهبی انقلاب کردند. وقتی انقلاب پیروز شد غیر از نهادهایی مثل کمیته استقبال و… نخستین نهادی که در اسفند ۵۷ تشکیل شد کمیته امداد امام خمینی بود. یعنی قبل از نهادهایی مثل جهاد سازندگی و سپاه، کمیته امداد تشکیل شد. این معنای مهمی دارد که حرکت امام و فریادش برای حمایت از محرومان و عدالت اجتماعی است. بعد از این در سال ۵۸ و پس از برگزاری referendum نهادهای دیگری مثل سپاه، جهاد سازندگی و… تشکیل شد. علاقه شخصی من این قسمت بود و دوست داشتم به مناطق محروم بروم و برای این مناطق کاری کنم.

■ **دانشجوی جوانی که وضعیت محرومیت در تهران و شهرستان‌ها را پیش از انقلاب دیده بود، در نخستین گام و برای این علاقه چه حرکتی انجام داد و به کجا رفت؟**

چون وطن اصلی من قم بود و امام هم در ماه‌های ابتدایی انقلاب در قم حضور داشتند در نخستین حرکت با گروهی از دوستان سراغ روستاهای کویری و محروم آن منطقه رفتم. در یک مسجد کوچک جمع شدیم و در قالب گروهی کوچک سعی کردیم روزهای جمعه در این مسیر حرکت کنیم. خاطرم هست نخستین‌بار با پول جیب خودمان و ناهاری که از منزل آورده بودیم به یکی از روستاهای اطراف رفتم. چون نهادی نبود و بودجه‌ای نداشتیم به صورت خودجوش نخستین کاری که کردیم به نظافت ظاهری آن روستا پرداختیم. مردم دیدند یک عده‌ای آمده‌اند که دارند کوچه‌ها را تمیز می‌کنند، به کمک آمدند و بیل و فرغون و جارو آوردند. وقتی از ما سوال می‌کردند می‌گفتم انقلاب شده و آمده‌ایم حداقل تغییر در روستای شما هم نمایان شود. این شروع کار بود اما وقتی مردم جمع شدند با آنها درباره کاستی‌هایی که وجود داشت مثل حمام و مدرسه صحبت کردیم و گفتیم باید به دست خودمان کاری انجام شود. یکی گفت من زمین حمام را می‌دهم، برخی پول دادند. هفته بعد با تعداد بیشتری از افراد و کمک بانیان که آجر و سیمان داده بودند آمدیم و بنای ساخت حمام و مدرسه را آغاز کردیم. بعد از فرمان امام مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی کار در قالب جهاد سازندگی ادامه پیدا کرد. خاطرم هست در نخستین ماه‌های تشکیل جهاد که دولت موقت روی کار آمده بود و هنوز بودجه و اقدامات عمرانی مطرح نبود ما مردم را بسیج کردیم و برای کمک به درو کردن گندم به روستاهای اطراف می‌رفتم. بعدها موضوعات عمرانی در برنامه قرار گرفت و جهاد با کمک مردم و سایر نهادها هسته‌های خود را تشکیل داد. با تشکیل مجموعه‌های جهاد در استان‌ها، هسته‌های مختلف از تخصص‌های مردم از طریق ثبت‌نام و به صورت داوطلبانه ایجاد شد. بعد از آنکه جهاد شکل سازمان‌یافته‌تری پیدا کرد، نماینده امام از طرف شورای انقلاب تعیین شدند.

■ **این نماینده چه فردی بود؟**
آیتالله شهید بهشتی.

■ **در این زمینه خاطرهای هم دارید؟**

خاطرم هست هنوز جنگ شروع نشده بود، ایشان می‌خواست خدمت اسلام برود، گفتیم بیایید کارهای ما را ببینید و بعد خدمت امام بروید. ایشان خیلی منظم بود. راس ساعت ۲ زمان تعیین کرد که می‌تواند ۲ ساعت از پروژه‌های ما بازدید کند. ما ایشان را به بازدید از پروژه یک سد بردیم؛ یک سد قدیمی از دوره مغول‌ها در آن منطقه بود که ما قصد داشتیم با کمک اساتید دانشگاه پلی‌تکنیک آن را بازسازی و آبگیری کنیم. ایشان به ما روحیه داد و فرمود: اول ممکن است بیایند و به شما اعتراض کنند که شما جوان هستید و کار بلد نیستید. شما تا حرکتی نکنید هیچ کس انتقاد نمی‌کند؛ وقتی حرکت کردید انتقادها شروع می‌شود. شما توجه نکنید. ممکن است ۱۰ کار را با اشکال انجام دهید اما یازدهمی را با تجربه و درست انجام می‌دهید. ایشان برای روحیه دادن به ما از سایر پروژه‌ها مثل راهسازی و… هم بازدید کردند. آن زمان همه جا برق نبود، آب لوله‌کشی نبود و به طبع در منازل هم حمام نبود. حرکت‌هایی شروع شد برای ساخت حمام، مدرسه، راهسازی و پروژه پل‌سازی در مناطق دورافتاده. پس از این کمیته‌های فرهنگی، مهندسی، پزشکی، ابرسانی، برق‌رسانی و… تشکیل دادیم. هر کدام از این کمیته‌ها محورهایی برای اقدامات خود داشتند. کار به جایی رسید که روستایی‌ها به جهاد مراجعه و اظهار می‌کردند منطقه ما محروم‌تر است و از ما شروع کنید. در این مسیر تحرک خوبی در ادارات هم ایجاد شد و نیروهای مومن ادارات به کمک آمده بودند و از امکانات ادارات هم استفاده می‌شد، با توجه به بودجه کم مردم هم کمک می‌کردند. حرکت جهاد اینگونه شروع شد. با این حال با شروع جنگ فعالیت جهاد سمت و سوی دیگری هم پیدا کرد، یعنی از یک سمت در مناطق محروم و روستایی در حال کمک

بود و از سوی دیگر در خط مقدم جبهه در حال پشتیبانی مهندسی جبهه‌ها بود که بعدها از آنها با عنوان «سنترسازان بی‌سنگ» یاد شد.

■ **شما به عنوان کسی که در طول این ۴۰ سال مناطق مختلف کشور را دیده‌اید، ما الان در روزگاری صحبت می‌کنیم که از جاده‌های آسفالت رفت و آمد می‌کنیم، برق در سیم‌ها بالای سرمان است، آب لوله‌کشی در دسترس است، گاز هست و تلفن ثابت و همراه هم وجود دارد. این وضعیت سسال ۹۷ است. حالا اگر ما سال ۵۷ به مناطق مختلف کشور سر می‌زدیم وضعیت از نظر امکانات زیربنایی چطور بود؟**

شما که سوال تان درباره مناطق محروم و روستاهاست، ما در شهرهای بزرگ هم جاده آسفالت نداشتیم. من با مثال صحبت می‌کنم تا باورپذیرتر باشد. یاسوج، ایلام و مناطق غربی کشور در سال‌های قبل از انقلاب به اندازه یک استان هم برای رژیم شاهنشاهی اهمیت نداشتند و به همین دلیل به صورت فرمانداری کل اداره می‌شدند. یعنی در حد استانی بودند اما چون از مراکز استان مهم دور بودند و هیچ امکاناتی نداشتند به صورت فرمانداری کل اداره می‌شدند. یعنی مثل برخی کشورها که سفیر نداریم و سفیر کشوری دیگری به صورت آکر دیته حضور سیاسی در آن کشور دارد، استاندار استان‌های اطراف هم به همین شکل این مناطق را اداره می‌کرد.

■ **دقیقاً چه مناطقی؟**

مناطق مثل ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری بعد از انقلاب نخستین‌بار استان شدند و برای آنها استاندار تعیین و به آنها هویت داده شد. در سال ۶۳ وقتی به یاسوج رفتم تمام راه‌های مرکز استان خاکی بودا اتاق استانداری برق نداشت و یک لامپ از طریق ژنراتور آن هم بسیار کم‌سپو آن را روشن می‌کرد. می‌گفتند تامین برق ما از طریق ژنراتور است که نیم ساعت قبل از مغرب روشن و ساعت ۱۰ و معنای مهمی می‌شود این وضعیت مرکز استان ۵ سال بعد از انقلاب است که این اتفاقات که عرض کردم بعد از انقلاب رخ داده و بهتر از سال ۵۷ شده بود. از آنجا که بیرون می‌رفتی روستاها بیفوله‌هایی بود که نه برق، نه آب و نه راه داشت. اکثر راه‌ها مال‌رو بود و ماشین نمی‌توانست عبور کند، مسیری‌هایی که ماشین می‌توانست عبور کند با افتخار می‌گفتند راه‌های ما چیپ‌رو است، تازه آسفالت نبودا در این مسیرهای روستایی پلی وجود نداشت، اگر با ماشین می‌رفتم همه پیاده می‌شدیم، فلوله‌سنگ هم در مسیر رودخانه‌های عبور ماشین قرار می‌دادیم، خودمان از رودخانه عبور می‌کردیم و در سمت دیگر دوباره سوار ماشین می‌شدیم؛ به هر رودخانه‌ای که می‌رسیدیم باید همین کار را می‌کردیم. حالا مردم در مسیرهای روستایی که می‌روند فکر می‌کنند این پل‌ها و راه‌ها از قبل بوده است.

■ **ما در آن دوران به چه میزان جاده‌های بین‌شهری داشتیم؟**

نخستین اتوبانی که در زمان شاه بین شهرها قرار بود ساخته شود اتوبان تهران– قم بود. آن هم نه به خاطر قم، بلکه به خاطر اصفهان و شیراز و توریست‌هایی که می‌خواستند از این مناطق بازدید کنند. این اتوبان را به یک پیمانکار خارجی داده بودند که آن هم بعد از انقلاب کار را رها کرد و رفت. خاطرم هست شهید کلاتری مصاحبه کرد و گفت اگر ماشین‌آلات نداشته باشیم حتی با دست تمام راه‌ها و پل‌های ایران را می‌سازیم. این موارد را عرض می‌کنم که تاکید کنم در ایران راهی به آن معنا وجود نداشت. چند شرکت خارجی قبل از انقلاب مثل شسر کت‌های سایپم، ای‌تی‌تی، ایپال استراده و… مجموعه‌هایی بودند که بر اساس اسنادی که بعداً ما دیدیم قرار بود برخی راه‌های مراکز استان‌ها را به آنها بدهند و آنها هم کار را نصفه‌کاره رها کردند. جهاد سازندگی تمام کارهای ناتمام آنها را با کمک برخی پیمانکاران محلی تمام کرد.

باز هم اگر بخوام بمنزله بزنم؛ سال ۶۶ به خلخال رفتم. راه از اسالم خاکی بود، راه خلخال به اردبیل خاکی بود، در رودخانه‌های بین این مناطق ماشین نمی‌توانست از رودخانه‌ها رد شود، اصلاً برق نبود، برخی شهرها یک ژنراتور محلی داشت که آن هم برخی اوقات یک هفته خاموش بود!

■ **چرا؟**

گاهی اوقات ژنراتور خراب می‌شد و تعمیر کار در آن نزدیکی حضور نداشت، گاهی سوخت نداشت و… مثلاً در سال‌های میانه دهه ۶۰ برخی مناطق که در زمینه آب آشامیدنی وضعیت مناسبی نداشتند توانسته بودند آب مخازن را با کلر بهداشتی کنند. در کل ایران تنها در تهران در منطقه جلالیه یک تصفیه‌خانه وجود داشت. الان تهران تصفیه‌خانه فاضلاب دارد و ۷ مترمکعب در ثانیه فقط فاضلاب تهران را تصفیه می‌کند و این آب تصفیه‌شده برای مصارف فضای سبز تهران استفاده می‌شود. این همه فضای سبزی که با آب آشامیدنی آبیاری نمی‌شود. الان ما در روستاهای بزرگ هم تصفیه‌خانه داریم. جزیره هرمز که در وسط آب است و هیچ دسترسی به هیچ جایی ندارد، یکی از مشکلات تصفیه فاضلاب بود اما پس از سفر مقام معظم رهبری تصفیه فاضلاب حتی در این جزیره هم ایجاد شد. من از ابتدای تشکیل دفتر مناطق محروم در ریاست‌جمهوری در آن حضور داشتم. تا دولت دهم بودم و بازنخست شد. من به عنوان کسی که در این حوزه مشغول بودم و با سه دولت مختلف در این زمینه کار کرده‌ام می‌توانم شهادت بدهم روزهای اول که برای سرکشی به برخی روستاها می‌رفتم نه برق داشت، نه آب و نه راه، حتی ماشین هم نمی‌رفت و ما با چهارپا نصف روز در راه بودیم. بعد از انجام این پروژه‌ها با ماشین ظرف مدت یک ساعت از مرکز استان به دورترین روستا می‌رسیدیم، این در نتیجه استمرار این مسیر در تمام دولت‌ها بوده و با کمک نیروهای مومن و انقلابی در تمام دستگاه‌ها بوده است.

■ **الان حوزه فعالیت‌های عمرانی در چه مسیری قرار دارد؟**

ببینید! الان دیگر سطح کلاس بهره‌برداری از پروژه‌ها بالا فته و انتظارات بالاست. روستاهای بزرگ آب را تصفیه می‌کنند. من در جلسه‌ای که چند روز پیش با بخش محرومیت‌زدایی سپاه داشتم دوستان تاکید می‌کردند که دیگر روستایی بدون برق وجود ندارد! روستایی بدون راه وجود ندارد! یعنی همه روستاهای محوری راه آسفالته دارند. ما الان هم راه روستایی داریم، هم راه فرعی داریم، هم راه اصلی داریم، هم راه ترانزیت داریم، هم اتوبان. پیش از انقلاب، تعریف راه فقط یک راه فرعی برای مرکز شهرهای بزرگ بود که برخی شهرها همان را هم نداشتند. در زمینه راه‌های ریلی هم انقلاب واقعا تحول بزرگی ایجاد کرد. کسانی که درباره راه‌های ریلی پیش از انقلاب صحبت می‌کنند لطفاً تاریخ را مرور کنند. رضاحن که آن راه‌آهن را کشید، مامور بود که از آب‌های شمال راه‌آهن را به جنوب برساند که قشون روس و انگلیس بتوانند در مواقع لزوم از این مسیر استفاده کنند. این دو خط راه‌آهن پیش از انقلاب برای استیلای خارجی‌ها بود. این را نباید به حساب آبادانی گذاشت، اینها پول نفت ایران را برای استفاده خارجی‌ها خرج کردند. بعد از انقلاب همه مسیرهای اصلی صاحب راه‌آهن شدند. مسیرهایی مثل یزد، کرمان، راه‌آهن میرجاوه که به پاکستان متصل است، راه‌آهن سرخس که ما را به آسیای میانه متصل کرد و یک خط آهن بسیار مهم ۷۰۰ کیلومتری که بافق و بندرعباس را به مشهد وصل می‌کند. این راه‌آهن تمام مسیر کویر را طی می‌کند که

ایجاد آن کار بسیار سختی بود. من در سال‌های ۶۵ تا ۶۸ طبق بررسی میدانی‌ای که از طرف ریاست‌جمهوری انجام دادم اعلام کردم ۸۵ شهر (نه روستا یا شهرستان) اصلاً راه آسفالته ندارند! روستاها که بعد از این شهرها بودند؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. وضعیت آنها که مشخص است چگونه بوده است.

■ **در حال حاضر در حوزه عمرانی چه وضعیتی داریم؟**

ما در سال ۱۳۸۹ جشن پایان برق‌رسانی به تمام روستاهای ایران را برگزار کردیم. این برق‌رسانی با توجه به جغرافیای پراکنده ایران، با این کوها، کویرها و… کار بسیار مشکلی بوده است. بعد از انتشار این خبر که برای ما بسیار عادی بود و حتی برخی کشورها هم آن را تحریف کردند، خبری منتشر شد مبنی بر اینکه جشن پایان برق‌رسانی به تمام روستاهای ایران در چین انعکاس داشته و چینی‌ها اعلام کرده‌اند باید تا ۵ سال دیگر تمام روستاهای این کشور صاحب برق شوند. از سوی دیگر تمام روستاهای کشور دارای امکانات آبرسانی هستند، یعنی لوله‌کشی و منبع و مخزن دارند. آب هم داشته‌اند؛ حالا اگر خشکسالی باعث شد آب نباشد موضوع دیگری است اما تاسیسات زیربنایی آب وجود دارد. در این زمینه، انتقال آب از مناطق پرآب به مناطق کم‌آب مطرح است که در این مساله هم پس از انقلاب به تکنولوژی ساخت و بهره‌برداری آن رسیدیم و پیش از انقلاب اصلاً نمونه‌ای وجود ندارد. یک نقطه پیش از انقلاب پیدا کنید که خط انتقالی ۱۰۰ کیلومتری آب از سرشاخه‌ها ایجاد شده باشد؛ وجود ندارد. این همه به‌رغم تمام تحریم‌هایی است که در تمام این سال‌ها علیه ما وجود داشته اما هیچ‌کس نتوانسته لوله آب را ببندد، جاده‌سازی ما را متوقف کند یا برق ما را قطع کند. این شبکه و توسعه که گاز هم در حال اضافه شدن به آن است در این ۴۰ سال ایجاد شده است، بنابراین از نظر زیربنایی کاری که در مناطق روستایی و محروم شده است، کفوی برای سایر کشورهای دنیاست.

■ **آیا ما از این تجربیات برای درآمذزایی و آرزو آوری در سایر کشورها هم استفاده کرده‌ایم؟**

بله! ما اول انقلاب برای کوچک‌ترین کارهای طراحی و مهندسی نیز اصلاً جرأت و خودباوری نداشتیم. سواد بود و مهندسانی رفته بودند در آمریکا و اروپا درس خوانده بودند اما چون جو اینگونه بود که طراحی نیروگاه را باید یک خارجی انجام دهد، جرأتی وجود نداشت که پروژه طراحی و اجرا شود. این طرح‌های پروژه‌های پیچیده نتنها در کشور خودمان، بلکه در کشورهای دیگر نیز توسط مهندسان ایرانی انجام می‌شود. مثلاً در تاجیکستان نیروگاه برقایی سنگ توده یک و ۲ که یک کار پیچیده در سرشاخه‌های آمودریا است توسط مهندسان ایرانی احداث شده است. صدور انقلاب با فقط به سخنرانی و حرف نبود، بلکه تکنولوژی ما هم انقلاب‌مان را معرفی کرده است که این انقلاب ما در صحنه‌های علمی و تکنولوژی هم تبلور داشته است.

■ **شما به عنوان فردی که از ابتدای انقلاب به مناطق محروم سفر کرده‌اید، طبیعتاً ممکن است به مناطقی رفته باشید که به دلیل محرومیت با تکنولوژی آشنا نبوده‌اند و امکاناتی که شما می‌بردید برای‌شان تازه‌گی داشته است. از این خاطرات برای‌مان بگویید.**

در این زمینه خاطراتی مطرح می‌شود که من درباره آن صحبت نمی‌کنم. من به یک منطقه کوهستانی رفتم که طبیعی بود مردم خودرو ندیده باشند اما درباره خودروه‌های سنگین شاهد بودم مردمی که می‌دیدند کاری که آنها باید با بیل در یک ماه انجام دهند یک بلدوزر در ۳ روز انجام می‌دهد، ابتدا می‌ترسیدند که این دستگاه که نعره می‌کشد چه هست؟ مثلاً در روستایی از مردم پرسیدم خوشحالید که این راه ساخته شد؟ گفتند بله! این پلنگ خمینی است که می‌آید نعره می‌کشد و جاده می‌سازد. جای دیگری بودم که از بزهای‌شان تعریف می‌کردند که از کوه‌ها بالا می‌روند، بعد می‌گفتند اسم دستگاه‌های شما هم بزدیزل (بولدوزر) است، چون موتور دیزل دارد و مثل بز از کوه بالا می‌رود. جای دیگری نیز برای بازدید رفتم، بولدوزر که وارد روستا شد اینقدر خوشحال بودند که مردها و زن‌ها اسپند دود می‌کردند و می‌گفتند این از طرف امام خمینی آمده است تا ما را نجات دهد. در نیک‌شهر یک پزشک برای من نامه نوشته بود که چندین منطقه تحت پوشش ما است، ماشین اینجا نمی‌آید و جاده‌های مناسبی نداریم، آمبولانس هم نداریم. یک آمبولانس خوب و نو نیاز داریم تا بتوانیم بیماران اورژانسی را به شهرهای بزرگ‌تر برسانیم. من با مرحوم دکتر وحید (رئیس اسبق هلال‌احمر) صحبت کردم و به اصرار از ایشان یک آمبولانس گرفتم. می‌دانستم اگر به استان بدهیم و بگوییم به نیک‌شهر بده، آن را برای خود برمی‌دارد و یکی از آمبولانس‌های دست دوم را به آنجا می‌دهد که در جاده خراب آنجا کاری از پیش نمی‌برد. به هر ترتیبی بود این آمبولانس را به آن منطقه اعزام کردیم. این مساله اینقدر برای مردم این منطقه مهم بود که تا ۴ کیلومتر خارج از شهر انگار که از یک میهمان عزیز استقبال کنند آمده و گوسفند ذبح کرده بودند.

■ **خاطرات قابل تاملی است. اینها فقط سرسوزنی از فلاکتی است که انقلاب از حکومت پادشاهی به ارث برد. نکته‌ای اگر لازم می‌دانید، بفرمایید**

در مجموع فکر می‌کنم الان برخی کمی ناشکری می‌کنند. انقلاب ما پدیده‌های زیبایی داشته است. نیروهایی که در دل این انقلاب ساخته شدند، اگر قرار باشد در کشورهای دیگر برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بشود سال‌ها طول می‌کشید تا چنین افرادی پرورش یابند. ببینید! ما قبل از انقلاب از نظر علمی در میان کل کشورهای دنیا رتبه‌ای نداشتیم اما حضور ایران در رنکینگ علمی پس از جنگ از رتبه‌های ۱۶۰-۱۵۰ شروع شد و الان در رتبه ۱۶ دنیا هستیم! تا چند سال پیش ۱۸ ترکیه بالاتر از ما بود اما با عبور از ترکیه الان نخستین کشور به لحاظ علمی در منطقه و جهان اسلام هستیم. این نشان می‌دهد در سال‌های پس از انقلاب به نیروی انسانی بها داده شد و خروجی‌های خوبی از آن به وجود آمد. الان ستاد ناو، ستاد بايو و… تشکیل شده و اختراعاتی انجام شده که آنها هم ندارند. این کشور با سختی‌های بسیار به دست ما رسیده است، بنابراین نباید به خودمان اجازه بدهیم با کوچک‌ترین مشکلی از همه چیز انتقاد کنیم. الان به دلیل حضور شبکه‌های ارتباطی نوین، اثر یک اقدام خلاف در جامعه خیلی زیاد نشان داده می‌شود، مثل زلزله که می‌گویند فرق میان ۵/۵ و ۵/۶ ریشتر به لحاظ قدرت چندین برابر است، این میزان هم به دلیل این رسانه‌ها اینقدر بزرگ نشان داده می‌شود اما قبول ندارم که فسادها بسیار زیاد است. این توطئه دشمن هم هست تا ما را ناامید کند همان‌طور که مقام معظم رهبری می‌فرمایند، باید به آینده امیدوار بود، چرا که نسل‌های آینده از ما خیلی بهتر کار را اداره می‌کنند. ما کمی ناشکرم هستیم و البته تحریم‌ها هم فشار آورده است و در داخل هم عده‌ای باور دارند که هیچ کاری نباید بکنیم اما اینطور نیست. اتفاقاً مثل دوران جنگ ما در این تحریم ساخته می‌شویم. انقلاب ما زاینده است، ما از این تحریم‌ها هم فایده عموم می‌کنیم و دعا‌های ندبه ما قطعاً اثر دارد و انقلاب ما به انقلاب امام زمان(عج) متصل خواهد شد؛ ان‌شالله.